



# ویژه نامه محرم الحرام

روز هشتم

عاشورا  
یا ایها المومنین  
الذین آمنوا

امام حسین علیه السلام فرمودند:  
لا یَکْمَلُ العَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الحَقِّ.

عقل کامل نمی شود مگر با پیروی از حق

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷)

روز هشتم محرم:  
حضرت علی اکبر (ع)

## تحلیل حادثه عاشورا

در این جا یک کلمه راجع به تحلیل حادثه عاشورا، اشاره ای بکنم؛ کسی مثل حسین بن علی (علیه السلام) که خودش تجسم ارزشهاست، قیام می کند، برای اینکه جلوی این انحطاط را بگیرد. چون این انحطاط داشت می رفت تا به آن جا برسد که هیچ چیزی باقی نماند؛ که اگر یک وقت مردمی هم خواستند خوب زندگی کنند و مسلمان زندگی کنند، چیزی در دستشان نباشد. امام حسین می ایستد، قیام می کند، حرکت می کند و یک تنه در برابر این سرعت سراسیمه قرار می گیرد. البته در این زمینه، جان خودش را، جان عزیزانش را، جان علی اصغرش را، جان علی اکبرش را، و جان عباسش را فدا می کند؛ اما نتیجه می گیرد.

«حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» یعنی دین پیامبر، زنده شده ی حسین بن علی است. آن قضیه، این بود؛ این روی سکه، حادثه ای عظیم و حماسه ی پُر شور و ماجرای عاشقانه ی عاشورا است، که واقعاً جز با منطق عشق و با چشم عاشقانه، نمی شود قضایای کربلا را فهمید. باید با چشم عاشقانه نگاه کرد، تا فهمید حسین بن علی در این تقریباً یک شب و نصف روز، یا حدود یک شبانه روز - از عصر تاسوعا تا عصر عاشورا - چه کرده و چه عظمتی آفریده است؛ لذاست که در دنیا باقی مانده است و تا ابد هم خواهد ماند. خیلی تلاش کردند که حادثه ی عاشورا را به فراموشی بسپارند؛ اما نتوانستند.

خطبه های نماز جمعه ی تهران ۷۷/۲/۱۸

## منجات حسینی

انس بن مالک می گوید که با حضرت حسین (علیه السلام) نزد قبر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) رفته بودم، حضرت گریه نمود و بعد به من فرمود که از نزد من برو. انس گوید: سپس از آن بزرگوار مخفی شدم، وقتی که مناجات آن جناب در نماز طول کشید، شنیدم که او با قاضی الحاجات مناجات می نمود، که مضمون آن این بود که ای پروردگار من، تو هستی مولای من، به بنده حقیر رحم کن که ملجأ و پناهگاه او بسوی توست، ای صاحب معالی اعتماد من برتوست و خوشا به حال کسی که تو مولای او هستی و خوشا بر آنکه از کرده های بد خود پشیمان و نادم بوده و شبها بیدار مانده از بلوا و مصائب شکایت خود را به خدای ذی الجلال خود نماید، و در او دردی زیادتیر از درد محبت مولایش نیست و زمانیکه از غصه و حزن خود شکایت نماید، خدای تعالی او را اجابت نماید و زمانی که در ظلمت شب به تضرع و زاری مبتلا می شود او را لیبیک گوید و به مقام قرب می رساند.

پس ندا رسید به آن حضرت که: لیبیک بنده من، تو در کنف حمایت من هستی و همه ی آنچه را که گفتم دانستیم. ملائکه من به صدای تو مشتاق هستند. پس از شرافت تو را بس است، اینکه صدای تو را شنیدیم و دعای تو در حجابهای عظمت سیر می کند و تو راکافیست که پرده را از میان برداشتیم، بخواه از من بدون رعب و ترس و حساب، بدرستی که منم معبود به حق. و از دیگر خطاب های خداوند به امام حسین (علیه السلام) خطاب مخصوصی

است که در روز شهادت آن حضرت رسید:

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً  
جان آرمیده باز گرد به سوی رحمت پروردگار خود.

حضرت علی اکبر (علیه السلام) که جوانی است حدود ۲۵ یا ۲۸ ساله روز عاشورا محضر پدر آمد، اجازه میدان خواست، بلافاصله حضرت به او اجازه دادند، زن و بچه و اهل حرم متوجه میدان رفتن او شدند، همگی گرد او را گرفتند و این میان دختر خرد سال امام حسین (علیه السلام) در حالیکه دست به دامن برادر شده گفت: یا علی ارحم غربت آیینا، علی جان به غربت پدرمان رحم کن و همه گریه کردند. وارد میدان شد جنگ سختی نمود و عده زیادی را کشت تا اینکه ضجه مردم از زیادی کشته بلند شد، نزد امام (علیه السلام) بازگشت عرضه داشت ای پدر تشنگی مرا کشت و سنگینی آهن توان مرا برد آیا امکان تهیه آب هست؟

امام حسین (علیه السلام) گریه کرد و فرمود: پسر عزیزم اندکی دیگر بجنگ بزودی جدت رسول خدا (ص) را دیدار کرده و او جامی پر به تو می نوشاند که هرگز تشنه نشوی.

به میدان بازگشت و جنگ نمایانی کرد، مره بن منقذ عبدی در کمین حضرتش به سر می برد نیزه ای رها کرد و فرق مبارکش شکافت تاب مقاومت نیاورد سر بر شانه مرکب نهاد خون دیدگان مرکب را پوشاند و به سمت دشمن رفت، علی اکبر (علیه السلام) را از زین به پائین کشیدند و با شمشیر و نیزه بدن مبارکش را مورد حمله قرار دادند به گونه ای که بعضی می نویسند: فَقطَعُوهُ بِالسُّیُوفِ اِزبَا، با شمشیر پیکر مطهرش را تکه تکه نمودند. حسین (علیه السلام) بر بالینش آمد صورت به صورت عزیزش نهاد، خون از چشم و دهانش گرفت و با او نجوا کرد، عزیزم با من حرف بزن. خدا بکشد قومی که تو را کشتند، ای عزیزم این قوم چقدر بر خداوند رحمان گستاخند، پسرم پس از تو خاک بر سر دنیا...

شرح شمع: صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲

سلام ما به چهرهٔ پیمبری اکبر  
سلام ما به قامت دلاوری اکبر  
**علی علی اکبرم علی علی اکبرم**  
سلام ما به پیکرش که بین خون نشسته است  
به استخون سینهاش که از جفاشکسته است  
**علی علی اکبرم علی علی اکبرم**  
سلام به تشییع غریبونهٔ پیکرش  
عمه میون خیمهها گرفته رو دومن سرش  
**علی علی اکبرم علی علی اکبرم**  
بجای لیلای مادرش زینبتو پریشونه  
برای اهل حرمت روضهٔ اکبر می خونه  
**علی علی اکبرم علی علی اکبرم**  
فدای نالهات بشم که بی پسر شدی حسین  
فدای اشک دیدمهات که خونجگر شدی حسین  
**علی علی اکبرم علی علی اکبرم**

# علی اکبر

## استفاده از موسیقی مبتذل در مداحی

از آسیب‌های شکلی عزاداریها، استفاده از موسیقی‌های لهوی و حرام در عزاداریهاست. برخی مداحان، ترانه‌های طاغوتی دیروز و یا ترانه‌های لس آنجلسی امروز را گوش می‌دهند. آهنگ، همان آهنگ است، محتوا را عوض می‌کنند. این قطعاً حرام است. نمی‌توان به بهانه انجام مستحبی مرتکب حرام شد. مرحوم شیخ اعظم انصاری می‌فرماید: آیا نمی‌بینی که جایز نیست شاد کردن مؤمن و اجابت دعوت، او با محرّمات باشد. اسلامی که می‌گوید قرآن را حق ندارید با لحن اهل فسق بخوانید قطعاً این اسلام اجازه نمی‌دهد که از آهنگهای حرام در عزاداریها استفاده شود. نبی اکرم (ص) فرمود: قرآن را با لحن عربی بخوانید و از لحنهای اهل فسق و گناهان کبیره پرهیزید. (وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۲۴ ابواب قرائة القرآن، ص ۸۵۸، ج ۱) و یا در بعضی عزاداریها دیده می‌شود بجای آنکه نوحه خوانی شود تنها آهنگ می‌نوازند و زنجیر می‌زنند. اینها بی‌تردید تحریف عزاداری است و مورد رضای سالار شهیدان نیست.

پس از آنکه جعفر بن عفان نزد امام صادق (علیه السلام) روضه و مرثیه امام حسین (علیه السلام) را خواند؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای جعفر به خدا قسم ملائکه مقرب خدا در اینجا حضور یافتند و گفتار تو را درباره حسین (علیه السلام) شنیدند و گریستند چنان که ما گریستیم بلکه بیشتر. سپس فرمود: جعفر خدا بهشت را در همین ساعات بر تو واجب گردانید و تو را بخشید. سپس حضرت فرمود: آیا بیشتر از این برایت بگویم؟ جعفر گفت: آری آقای من. امام (علیه السلام) فرمود: هر که شعری درباره حسین بخواند که خود بگرید یا دیگری را بگریاند خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و او را بیامرزد.